

نگاهی به فرهنگ ازدواج سنتی در خطه‌ی خیاو یا مشکین شهر

*دکتر ولی الله نصیری

**سیمین یاری

چکیده

پژوهش پیش روی، ما را با آداب ازدواج به سبک دیرین و سنتی آشنا می‌سازد. آداب بسیاری که با ظهور تجدد و به بهانه‌ی مدنیت و مدرنیسم، از خاطرها حذف و به خاطره‌ها پیوسته است. پژوهش حاضر گوشه‌ای از فرهنگ مذکور را در مشکین شهر - بخشی از قلمرو آذربایجان ایران به تصویر می‌کشد. هدف از انجام این نوشته انعکاس آداب گذشتگان در نحوه و چگونگی سنت‌های ازدواج رایج و متداول در زمان گذشته می‌باشد. روش به کار برده شده در این جستار، توصیفی، اسنادی و میدانی است. این تحقیق مراحل مختلف سیر ازدواج را از خواستگاری تا جشن‌های زیبای عروسی در زمان گذشته و کنونی مورد بررسی قرار می‌دهد. اولیا نقش اساسی در این پیوند دارند. این نوشته در نظر دارد برای خوانندگان دیدگاه‌های روشنی را راجع به آداب و جشن‌های ازدواج که ممکن است هرگز تکرار نشود ارائه کند. واژگان کلیدی: خیاو، ازدواج، مشکین شهر، فرهنگ، سنت.

*استادیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران nasiri@sku.ac.ir

** دانشجوی دکتری ادیان و عرفان دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. simin_yari۹۴@yahoo.com

۱. بیان مسئله

ازدواج یکی از مهم‌ترین رسم‌های معمول در جامعه است که نقش اساسی در شکل‌دهی فرهنگ‌ها، سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی کل کره جغرافیایی ایفا می‌کند. هر شهری، برای مراسمات مختص خود، آداب و رسوم و یا فرهنگ دارد. بیشتر این فرهنگ‌ها چنانکه پسندیده باشند تا نسل به نسل تا به امروز امتداد داشته‌اند. مراسم عروسی یکی از این آداب و رسوم‌هایی است که از پیشینیان به پسینیان به ارث رسیده است و هم اکنون به این مقوله ارجح می‌نهند. سنت‌های ازدواج، تأثیر عوامل تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی را بر آداب و رسوم که زوجها و خانواده‌ها را پیوند می‌دهد انعکاس می‌بخشد. تحقیق پیش رو، به سنت‌های ازدواج در منطقه خیاو یا مشکین شهر می‌پردازد که تاریخ، فرهنگ و مناظر طبیعی غنی را داراست.

هر پژوهشی در راستای آداب بومی و مراسم سنتی بسیار پسندیده و دلپذیر است؛ چرا که ما را به خود و خویشتن خویش فرا می‌خواند و با گذشته‌مان آشنا می‌سازد. گاهی انسان بر بسیاری از سنت‌هایی که از دست‌داده است تأسف می‌خورد؛ زیرا آن‌ها بخشی از سرمایه‌هایی بودند که با شروع دوران تجدد به باد فراموشی سپرده شدند. صداقت، صمیمیت، مواصلات، همدلی و هر رسم و سنتی از جمله جشن عروسی و آداب مربوط به آن از مواردی به شمار می‌روند که به‌شدت آسیب‌دیده‌اند و یا از خاطرها حذف شده‌اند. البته پژوهش در همه‌ی زوایای ازدواج با لحاظ اقوام و طوایف مختلف، مجال و فرصت بیشتری می‌طلبد؛ لیکن این نوشتار بر مدار سنت ازدواج به سبک دیرین، به فرزندگان عزیز عرضه می‌شود.

این نوشتار مبتنی بر رسم ازدواج سنتی در خطه‌ی «خیاو یا مشکین شهر» می‌باشد که جزئی از قلمرو همیشه جاوید آذربایجان به شمار می‌رود. ناگفته نماند که این آداب و رسوم، با اشکال مختلف در دیگر نقاط آذربایجان - خصوصاً روستاهای آن - اجرا می‌شده است.

۲. روش پژوهش

روش در جستار پیش‌رو، از حیث هدف و غایت بنیادی و از نظر گردآوری نتایج و داده‌ها، بر اساس روش ترکیبی کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته است. در این روش که به صورت تحلیل محتوای کیفی و میدانی نیمه ساختاریافته انجام شده است. از آنجا که پژوهشگر داده‌های پژوهشی خود را درباره ازدواج سنتی دز منطقه خیابو همراه با تحلیل بن‌مایه‌های نمادین و اساطیری در بین آذری زبانان منطقه خیابو مشکین شهر بررسی کرده است، علاوه بر روش تحلیل کیفی - محتوایی کتابخانه‌ای، از روش میدانی به صورت مصاحبه با افرادی از استان اردبیل در جمع‌آوری اطلاعات استفاده کرده است. این پژوهش چهار مرحله را برای رسیدن به داده‌ها انتخاب کرده است، در گام نخست؛ انتخاب موضوع با اهداف منطقی صورت گرفت. در گام دوم؛ با بررسی و واکاوی منابع، اسناد و ادبیات مرتبط با عنوان پژوهش، مؤلفه‌های متناسب با ازدواج سنتی منطقه خیابو با توجه به بن‌مایه‌های نمادین و اساطیری آن‌ها در بین مردمان مشکین شهر شناسایی شد. در گام سوم؛ با استفاده از رویکرد و روش پژوهش بر اساس تحلیل محتوای کیفی، خصوصیات و مؤلفه‌های مربوط به ازدواج سنتی در منطقه خیابو استخراج شد. در نتیجه، در گام چهارم؛ با ادغام مطالب تحلیل کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری داده‌ها و فیش‌برداری سنتی و مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته به موضوع ازدواج سنتی در منطقه خیابو پرداخته شد. روش میدانی در این جستار از طریق مصاحبه‌های میدانی بوده که در استان اردبیل منطقه خیابو و مشکین شهر پیرامون ازدواج سنتی در منطقه خیابو انجام شده است. هدف پژوهشگر از انتخاب این محدوده جغرافیایی از استان برای تحقیقات میدانی، قدمت این سرزمین و از طرفی دست نخورده بودن آن است. در گام نخست؛ پژوهشگر سؤالاتی مربوط به نوع نوع ازدواج آماده کرده و در گام دوم، به انتخاب افرادی که پیرامون ازدواج سنتی آگاهی لازم را داشته‌اند، اقدام می‌کند. در گام سوم؛ مصاحبه‌ای حدود ۱۵ دقیقه از هر یک از آن‌ها ضبط می‌کند. در گام چهارم و نهایی؛ همه مصاحبه‌ها را کد گذاری کرده و آن‌ها از گویش و زبان آذری

به فارسی برگردانده و از لابه‌لای این مطالب مهم‌ترین آن‌ها پیرامون ازدواج سنتی را استخراج کرده و تحلیل و تلفیق داده‌ها با مطالب کتابخانه‌ای می‌پردازد. جامعه آماری جستار حاضر، تعداد ۵ نفر از زنان آگاه محلی انتخاب شدند که سن بیشتر آن‌ها از ۴۰ سال بیشتر بوده و از طرفی خود این افراد کسانی هستند که نسبت به ازدواج سنتی توجه ویژه‌ای داشته و نسبت به این نوع پوشش‌ها آگاهی لازم را داشته و در خیلی از ازدواج‌های محلی شرکت کرده‌اند. روش نمونه‌گیری در این جستار، از نوع هدفمند بوده است. برای به دست آوردن اطلاعات در این موضوع، نیاز بود که از افرادی که خُبره و دانا هستند استفاده شود با این‌که افراد زیادی داوطلب به همکاری بودند اما سعی شد گزینش شوند و از دانایان آن‌ها در این زمینه استفاده شود. بعد از انتخاب افراد خُبره و دانا، از آن‌ها مصاحبه عمل آمد. علاوه بر روش نمونه‌گیری هدفمند در جریان مصاحبه‌ها، از نمونه‌گیری زنجیره‌ای «Chain Sampling» استفاده شده است (گال و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۹۳). در این روش، با افراد آگاه مشورت می‌شود تا موارد مناسب تحقیق را معرفی کنند. برای پژوهش کیفی نمونه بسیار بزرگ یا کوچک توصیه نشده است؛ بلکه حصول معیارهایی مانند اشباع داده‌ها و تکرار اطلاعات کفایت حجم نمونه را نشان می‌دهد (همان، ۳۹۸). در جستار حاضر، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت تحلیل محتوای کیفی و مقوله‌بندی مصاحبه‌ها انجام شده است. با هدف این‌که ویژگی‌های کیفی پژوهش در سه ملاک قابلیت اطمینان، قابل قبول بودن و تأییدپذیری رعایت شود. پیرامون ملاک قابل قبول بودن، مصاحبه‌ها نزد همه افراد مورد مصاحبه پخش می‌شد تا درستی یا نادرستی خود را اعلام کنند. در مورد ملاک قابلیت اطمینان یافته‌ها، کوشش شد تا تصمیم‌گیری و فرآیندهای مربوط به صورت روشن و مستند در متن پژوهش بیان شود. در مورد ملاک تأییدپذیری داده‌ها، تلاش شد تا به جزئیات کافی در خصوص فرآیند جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شود تا اطمینان حاصل شود.

۳. پیشینه پژوهش

در خصوص ازدواج سنتی در منطقه خیاو تا کنون پژوهشی صورت نگرفته است و چنانچه کتابی پیرامون آداب و رسوم آذری زبانان تالیف شده است به همه نقاط آذربایجان اشاره شده است و هیچ پژوهشی در خصوص ازدواج سنتی منطقه خیاو صورت نگرفته است.

۴. سن و زمینه‌ی ازدواج

غالباً وقتی که پسران و دختران به بلوغ شرعی می‌رسیدند می‌توانستند بر سر سفره‌ی عقد بنشینند. دختران وقتی پایان دوره‌ی ۹ سالگی را تجربه می‌کردند و با تغییرات فیزیکی و تحولات روحی مواجه می‌شدند می‌توانستند در خانه‌ی بخت حضور پیدا کنند. پسران نیز با سپری کردن سن ۱۵ سالگی و با تحولات اولیه‌ی روحی و جسمی، مکلف به ازدواج بودند. معیار و ملاک اصلی، بلوغ جنسی و تغییرات برونی بود نه بلوغ عقلی (کد ۱). علائم بیرونی و توان انجام امور خانگی و مشارکت در تأمین معاش، بستر و زمینه‌ی مناسبی برای ازدواج بود. دختر و پسر، زیر چتر حمایت اولیای خود، زندگی مشترک خویش را آغاز می‌کردند. گاهی، سنت بر شریعت غلبه می‌کرد. قبل از بلوغ، حتی در دوران طفولیت و کودکی، نامزدی پایه‌ریزی می‌شد. بعضاً دختر خردسالی به بیماری مبتلا می‌گشت و والدین او نذر می‌کردند که اگر از بیماری بهبود بیابد و از کمند مرگ رها شود به عقد فلان سید در خواهد آمد! غلامحسین ساعدی، در کتاب «خیاو یا مشکین‌شهر» می‌نویسد: «گاهی عروس و داماد را از کودکی به هم نامزد می‌کنند، حتی وقتی که در قنناق هستند. برای انجام یک چنین نامزدی، یک روسری (کل ایاغی) به سر دختر بچه‌ی شیرخواری می‌بندند و نامزدِ پسر بچه‌ای می‌کنند که یا توی کوچه‌ها ولوست و یا هنوز مثل نامزدش توی قنناق شیر می‌خورد» (ساعدی، ۱۳۵۴: ۱۴۳).

در مواردی نیز از شمارش دانه‌های تسبیح استفاده می‌نمودند و قرعه به نام هر کدام از دختران فامیل و آشنایان که می‌افتاد به خواستگاری ایشان می‌رفتند و این در حالی بود که دختر و پسر همدیگر را تا آن زمان ندیده بودند. بعد از قبول ازدواج، با داماد یا عروس دیدار کرده و آشنا می‌شدند. در شب عروسی، خانواده عروس با داماد در مورد شیربها، لحاف و تشک، آوردن چند کیسه حنا و خلعت برای پدر عروس صحبت می‌کردند و به توافق می‌رسیدند (کد ۲).

۵. توانایی و تمکن مالی

در اکثر اوقات، دختر و پسر توانایی مالی نداشتند. به دلیل عدم استقلال مالی، پدر، مادر و یا خانواده‌ی آن‌ها هزینه‌ی ازدواج را بر عهده می‌گرفتند. زندگی به شکل مشاع و مشترک بود. اعضای یک خانواده باهم کار می‌کردند و هر چه در اختیار داشتند مشترکاً - البته با نظارت پدر و با لحاظ نیاز هر عضو خانواده - از آن بهره می‌جستند (کد ۱).

۶. شکل‌گیری مراحل ازدواج

اولیاء با لحاظ برخی از خصوصیات و امتیازات، در ازدواج فرزندانشان نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند. مثلاً وقتی خانواده‌ای پی می‌برد که یک خانواده‌ای دیگر، دختری دارد که زیبایی، عصمت، حیا، سلامت اخلاقی و توانایی در امور دامداری، کشاورزی، بافندگی و خانه‌داری دارد به سراغش می‌رفتند و رسماً خواستگاری می‌کردند. سپس مراحل بعدی انجام می‌شد:

مرحله‌ی اول: معمولاً یکی از زنان سالخورده و مجرب، در مقام یک «ایلچی» برای دریافت جواب به خانه‌ی دختر می‌رفت و با رعایت ادب و احترام، خواسته‌اش را مطرح می‌ساخت و اگر جواب مثبت می‌شنید مراحل بعدی انجام می‌یافت.

مرحله‌ی دوم: جمعی از بزرگان و ریش‌سفیدان، با هدایای کوچک که متداول‌ترین آنها، (بیلیق) و انگشتر بود در منزل پدری دختر حضور می‌یافتند.

البته از مسائل متفرقه و غیر مرتبط مباحثی به میان می‌آمد، سپس اصل مسئله را مطرح می‌کردند. در این مرحله، وقتی را برای روز نامزدی تعیین می‌نمودند و برای برنامه‌های بعدی آماده می‌شدند. مشخص نمودن مبلغ مهریه از دیگر مراسمات بود. معمولاً مبلغ پنجاه تومان الی دوازده هزار تومان به عنوان مهریه مشخص می‌شد (کد ۲).

مرحله‌ی سوم: نامزدی با یک انگشتر طلا و دیگر هدایا انجام می‌یافت و دختر عملاً نامزد یا به زبان مادری «**نشانی و آداخلی**»^۱ می‌شد. در این مقطع، خانواده‌ی داماد، با اشخاص بیشتری در منزل اولیای دختر حاضر می‌شدند. در این روز در مورد شیربها و... نیز صحبت می‌شد. یک کله قند نیز که نشان از شیرینی و خوشبختی عروس و داماد به شمار می‌آمد شکسته می‌شد (کد ۲). حاضرین با صرف شیرینی و چای و با اجرای مراسم کوتاه، به نامزد بودن دختر رسمیت می‌بخشیدند. در دوران نامزدی، عقد شرعی خوانده نمی‌شد؛ اما همه می‌دانستند که آن دختر در حکم عروس است و تا روز ازدواج نباید با فردی نامحرم سخن بگوید. خانواده‌ی دختر حق نداشتند سخن خود را پس بگیرند و از پیمان خودسر باز زنند. اصول سخت و سنگینی بر دوران نامزدی حاکم بود. اگر شخص بیگانه‌ای به این اصول بی‌توجهی می‌نمود و به خطوط تعریف‌شده‌ی اخلاقی - سنتی پشت پا می‌زد به شدت با او برخورد می‌شد و شاید به منازعات خونینی نیز می‌انجامید. جز در موارد خاص و نادر که خارج از قواعد و آداب بود، رشته‌ی نامزدی از هم نمی‌گسیخت. دوران نامزدی، ماه‌ها و سال‌ها به طول می‌انجامید. خانواده‌ی داماد در مناسبات و اعیاد، هدایایی برای عروس می‌فرستاد. در این دوره دختر با پدر و مادر و برادران

^۱. در این زمینه خصوصاً آداب شاهسون و عشایر، آقای قربان مہیار یکی از دبیران مشکین شهر، آثار ارزشمندی دارد که در مواردی از آن‌ها استفاده شده است.

نامزدش سخن نمی‌گفت و وقتی آن‌ها را می‌دید پنهان می‌شد. این امر نشأت یافته از اصول سنت و شدت حیای دختر بود. پسر نیز وقتی اولیای دختر را می‌دید با شرم و حیا برخورد می‌کرد و موارد خاصی را رعایت می‌نمود. حتی بعضی از عروس و داماد در دوره‌ی نامزدی با یکدیگر حرف نمی‌زدند؛ چرا که چنین حرکتی یک امر ناپسند و مذموم بود. غلامحسین ساعدی می‌نویسد: «نامزدی اگر در بزرگسالی انجام گیرد، دو نامزد حق ندارند تا شب عروسی همدیگر را ببینند. این نوع دیدارها بیشتر از نظر فامیل عروس قباحت دارد» (سعدی، ۱۳۵۴: ۱۴۴).

مرحله‌ی چهارم: در این مرحله جشن عروسی، برگزار می‌شد. هر خانواده با اقوام و خویشان به جشن و شادی می‌پرداخت. معمولاً خانواده‌ی داماد با گرمی بیشتری جشن خود را برگزار می‌کرد و میهمانان زیادی داشت. در روستاها تمام افراد روستا به عروسی دعوت می‌شدند و این دعوت معمولاً برای نهار رایج بود. سه روز، جشن و شب‌نشینی انجام می‌شد. روز اول، حنابندان، روز دوم، عروس برون و روز سوم اصطلاحاً پاتختی نامیده می‌شد. گویا **حنابندان** از شیرین‌ترین مراسم آن به شمار می‌رفت. در حنابندان، خانواده‌ی عروس هدایایی را برای داماد تدارک می‌دید که توره نامیده می‌شود (کد ۲). هدایایی از قبیل پیراهن و هر آنچه داماد نیاز داشت. مراسم عروسی، با نوازندگان، ساز و ادوات سنتی و رقص همراه بود که به مراسم مذکور شکوه بیشتری می‌بخشید. در گرماگرم آن جشن، گاهی سروده‌ی زیر با شرکت همگان خوانده می‌شد:

هزار بازار دور بو گجه اردو بازار دور بو گجه / گلینین باشماقین قویون بیگ
انتظار دور بو گجه (کد ۳). یعنی: امشب شب شادی و سرور است. عروس را
برای رفتن به خانه‌ی داماد مهیا کنید؛ زیرا داماد در انتظار اوست.

با دادن ناهار و یا شام مفصل، مدعوین بنا بر اختیار و تمکن مالی خود، هدایایی می‌دادند که آن هدایا، بخشی از هزینه‌ی داماد را تأمین می‌نمود. در نزدیکی غروب که دختر می‌خواست به خانه‌ی بخت برود یک تا دو نفر از ریش‌سفیدان، سراغ یک روحانی دینی می‌رفتند تا عقد شرعی جاری نماید. پس از اجرای عقد شرعی، عروس اجازه می‌یافت با مراسم خاصی در خانه‌ی بخت حاضر شود. قبل از خارج شدن عروس از منزل، پدر و مادرش حاضر می‌شدند و با زبان دعا و نیایش، فرزندشان را مشایعت می‌نمودند. در این هنگام غالباً صدای گریه‌ی پدر و مادر و دختر به همدیگر درمی‌آمیخت و فضای دیگری می‌آفرید. هنگامی که کمر عروس توسط یک شخص مطمئن بسته می‌شد سروده‌ی ذیل به زبان مادری زمزمه می‌شد:

آنام باجیم قیز گلین ال ایاقی دوز گلین / یدّی اوغلان ایسترم بیرجه دنه
 قیز گلین (کد ۱). یعنی: ای عروس، ای که مادرم و خواهرم می‌باشی. ای که صادق و درستکار هستی. دلم می‌خواهد صاحب هفت پسر و یک دختر باشی.

البته در زمان قدیم، کمر عروس با کمر بند مردانه بسته می‌شد و کمر بند قرمز بعداً رایج شد. این کمر بند معمولاً توسط برادر شوهر بسته می‌شد که به معنای دعا و آرزوی خوب برای زندگی آنها بوده است و اصطلاحاً بل باغلا دی نامیده می‌شود (کد ۲).

اسب را زین و یراق می‌کردند و عروس را به آن سوار می‌نمودند. در ترک اسب عروس، یک پسر بچه کوچک که یکی از بستگان عروس یا به زبان مادری «گلین» می‌بود سوار می‌شد. پسر بچه نماد غیرت، مردانگی یا آوردن فرزند پسر دانسته می‌شد.

کودکی در حالی که پارچه‌ی بلندی بر کمر می‌بست افسار اسب را در دست می‌گرفت. شخصی دیگر، رختخواب عروس را بر دوش می‌نهاد. هر فردی یکی از جهیزیه‌ی عروس را با خود حمل می‌کرد. لازم به ذکر است که آوردن

کل جهیزیه که لباس، لحاف و تشک، ظروف، کمد، چرخ خیاطی و وسایلی از این قبیل را شامل می‌شد بر عهده‌ی عروس بود. در این جمع که افراد بسیاری از خویشان و اقوام در آن شرکت می‌نمودند معمولاً سلمانی روستا که به او «دگک» می‌گفتند در کنار اسب مزین شده‌ی عروس، حرکت می‌کرد و فریاد «الله الله» سر می‌داد و دیگران همین سرود را با آواز خاصی تکرار می‌کردند. وقتی جمعیت به درب منزل داماد یا به زبان محلی «بیگ»، می‌رسید داماد که لباس شیک و مرتب بر تن داشت به همراه **ساقدوش** و **سولدوش** - یعنی دو شخصی که یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ داماد می‌ایستاد به بام خانه می‌رفت. در هدایایی که برای داماد در شب حنابندان برده می‌شد سه عدد سیب نیز در بین آن هدایا جای داده می‌شد که برای ساقدوش، سولدوش و داماد بود. هر سه شخص، سیب سرخ یا انار و یا قطعه‌ای از کله قند را از بالای جمعیت به سوی عروس می‌انداختند. کله قند، همان قند شکسته شده در مراسم نامزدی بود که برای این روز نگه داشته می‌شد تا در روز عروسی داماد، آن را از بالای سر عروس پرتاب کند. جمعیت حاضر، می‌کوشید که آن سیب و انار را بگیرد و این امتیاز بزرگی برای گیرندگان آن میوه‌ها محسوب می‌شد. **ساغدوش** و **سولدوش** از آن‌هایی بودند که خرج و هزینه‌ی بیشتری متوجه ایشان می‌شد. در نهایت، عروس در گوشه‌ی خانه می‌ایستاد تا ریش سفید خانواده‌ی داماد، با اعطای یک هدیه او را بنشانند. ریش سفید خانواده‌ی داماد یا از طریق اهداء وجوه نقدی، عروس را به نشستن دعوت می‌نمود و یا با وعده‌هایی که در آینده تحقق می‌یافت. مثلاً می‌گفت: «شکم گوسفند، پیشکش شماست. بنشینید». این عبارت، کنایه از زایش گوسفند و تعلق بچه گوسفند به عروس محسوب می‌شد. **ساقدوش** و **سولدوش** تا دقائق آخر شب، یعنی تا هنگامی که مردم پراکنده می‌شدند بر سیبل دوستی، داماد را همراهی می‌کردند چنانکه زنی روزگاردیده و باتجربه از

خویشاوندان عروس، عروس را تا دقائق آخر همراهی می‌کرد. زن مذکور که به او «ینگا» می‌گفتند در حکم شاهد شرعی بر سلامت و طهارت اخلاقی عروس بود. در آن شب، اگر داماد نمی‌توانست از وظایف دامادی برآید او را به پیش فالگیر و دعانویس می‌بردند؛ زیرا بر این باور بودند که جادو شده است و یا کارهایی انجام می‌دادند که فقط در آن ظرف زمانی، قابل تحمل و توجیه است (کد ۱).

غالباً عروس و داماد چند روزی حجله‌نشین می‌شدند. غذای مخصوصی به آن‌ها داده می‌شد. این چند روز را «گردک» می‌نامیدند. با سپری شدن چند روز از شکل‌گیری زندگی مشترک، هرکسی به دنبال کار خود می‌رفت. چیزی به‌عنوان «ماه‌عسل» وجود نداشت. داماد کارهای مردانه را انجام می‌داد و عروس کارهای مربوط به امور زنانه را. چیزی به‌عنوان کنترل جمعیت نبود و کثرت اولاد یک امتیاز به شمار می‌رفت. کثرت اولاد در تسهیل قضایای زندگی، از قبیل کار و تولید و منازعات و تقابل‌هایی که گاهی دیده می‌شد بسیار تعیین‌کننده بود. در این مرحله، اولیای خانواده، عروس را با دادن هدایا و انعام وادار می‌کردند تا با آن‌ها سخن بگویند یعنی به اصطلاح زبانش را باز کند. اتفاقاً یکی از فرق‌های اساسی عروس‌های فعلی با قبلی این است که در آن دوران با دادن انعام، عروس را به سخن گفتن تشویق می‌کردند اما در زمان حاضر با دادن انعام و هدایا عروس را به سکوت فرامی‌خوانند. اولیا جایگاه خاصی داشت. داماد و عروس حتی وقتی صاحب فرزند می‌شدند بر سبیل احترام، انتخاب اسامی ایشان بر عهده پدربزرگ آن خانواده بود. مولانا در راستای لزوم خوش‌رفتاری با زنان، دو واژه «گردک» و «ینگا» را به کار برده است که بسیار جالب است:

شوی و زن را گفته شد بهر مثال
که مکن ای شوی، زن را بد گسیل

آن شب **گردک**، نه **ینگا** دست تو

خوش امانت داد اندر دست تو؟

(زمانی، ۱۳۸۹: ۸۷۹).

سرهنگ بایبوردی نویسنده‌ی کتاب «**تاریخ ارسباران**»، با تأسف و تأثر از آن روزگاران یاد می‌کند. روزگاران که شاید دیگر تکرار نگردد و به بایگانی تاریخ سپرده شود: «همراه مادرم به عروسی می‌رفتم. بچه‌ها را در طاقچه می‌نشانند. زن‌ها با پیاله‌ی زنگی می‌رقصیدند که هنوز صدای دلپذیر آن در گوشم است؛ و ما با کمال راحتی و آزادی آن‌ها را تماشا می‌کردیم. **یاد باد آن روزگاران یاد باد**» (بایبوردی، بی‌تا: ۱۴۴).

۷. ازدواج سنتی در زمان کنونی

ازدواج سنتی در مشگین شهر امری است که از سنت پیامبر به شمار رفته و آداب و رسوم آن از دیرباز به یادگار مانده است و هم اکنون همان مراحل قدیمی را با وجود تفاوت‌هایی طی می‌کند.

بعد از خواستگاری که اصطلاحاً (الچی گدمه) نامیده می‌شود مراسم بله برون برگزار می‌شود. برای برگزاری این مراسم ریش سفیدان خانواده داماد در خانواده پدر داماد جمع می‌شوند و با هم به خانه پدر عروس می‌روند. در این مراسم از مهریه و شیر بها و جهیزیه سخن گفته می‌شود؛ گفتنی است که رسم شیربها به مرور زمان از بین رفته است و فقط در جاهای محدودی سخن از آن به میان می‌رود. در تعیین مهریه ریش سفیدان مجلس رشته کلام را به دست می‌گیرند و بیشتر نظر آن‌ها مطرح می‌گردد. در جاهایی که رسم شیربها را هنوز حفظ کرده‌اند، بعد از تعیین مهریه به تعیین میزان شیربها می‌پردازند (شیربها، همچنان که از نامش پیداست بهای شیری است که مادر عروس در قبال شیر دادن و مراقبت از فرزند خود از خانواده داماد مطالبه می‌کند). مبلغی که برای شیربها تعیین می‌گردد معمولاً صرف جهیزیه عروس می‌شود. بعد از

توافق بر سر مهریه و جهیزیه و شیربها یکی از ریش سفیدان مجلس کله قندی، را که خانواده داماد آوردند، می‌شکنند دیگران هم تکه‌ای از این قند را به یمن خوشی و شیرینی این زندگی مشترک بر می‌دارند. سپس با شیرینی خوردن این مراسم به پایان می‌رسد.

بعد از توافق بر سر مهریه و جهیزیه و شیربها یکی از ریش سفیدان مجلس کله قندی، را که خانواده داماد آوردند، می‌شکنند دیگران هم تکه‌ای از این قند را به یمن خوشی و شیرینی این زندگی مشترک بر می‌دارند. سپس با شیرینی خوردن این مراسم به پایان می‌رسد.

در این مراسم داماد هم حضور دارد و با گل و شیرینی و کله قند به این مراسم می‌روند. عروس و داماد در این مراسم نقشی ندارند و ساکت نشسته و نظاره گر ماجرا می‌باشند رشته این مجلس به دست بزرگترها می‌چرخد.

بعد از اتمام مراسم بله برون به سراغ مراسم **عقدکنان (کبین کسمه)** می‌روند در این مراسم نیز به اتفاق روزی را برای مراسم عقد انتخاب می‌کنند این مراسم در گذشته ساده برگزار می‌شد، امروزه معمولاً با جشن و تجملات برگزار می‌شود.

در مراسم عقدکنان خانواده داماد با آخوندی در خانه عروس حاضر می‌شوند. روحانی شروع به خواندن خطبه عقد می‌کند.

بعد از جاری شدن خطبه عقد، روحانی نخست رو به عروس خانم کرده و نظر وی را جویا می‌شوند. عروس خانم بار اول جواب نمی‌دهد و همراهیان با گفتن جملاتی چون عروس رفته گل بچینه و از این حرفا عروس را یاری می‌کنند. بار دوم هم به همین منوال، بار سوم که روحانی سوال می‌کند باید عروس خانم جواب خود را با کسب اجازه از بزرگترهای مجلس بگوید.

بعد از جواب گرفتن از عروس خانم رو به سوی داماد می‌کنند، داماد هم باید با آرامش و خونسردی در همان بار اول با کسب اجازه از بزرگترهای مجلس

جواب خود را اعلام دارد. بعد از اینکه دفتر عقد را امضا کردند. عروس و داماد حلقه‌ها را در دست‌های یکدیگر انداخته و یکی که خانواده داماد آوردند برش داده؛ هنگام بریدن یک اگر شخصی که چاقو آورده انعام خواست نباید سرسختی نشان دهد، و تکه‌ای از آن را به هم دیگر می‌دهند. بعد از مراسم عقد کنان دوران نامزدی شروع می‌شود. عروس و داماد باید مواظب باشند که پدر و مادر هر کدام را پدر و مادر خود دانسته و با لفظ مناسبی صدایش بزنند. بلافاصله بعد از عقد در خانه داماد ظاهر نشود بهتر است کمی صبر کند بعد از دعوتی که از طرف خانواده داماد می‌شود برود.

۱-۷. پاگشای عروس و داماد

چند روز بعد از عقد، خانواده داماد هدیه‌ای برای عروس تدارک دیده و مهمانی‌ای برای خانواده عروس ترتیب می‌دهند و در این مهمانی هدیه را به عروس تقدیم می‌کنند. همین مهمانی را خانواده عروس هم برای داماد انجام می‌دهند. در قدیم رسم بوده که بزرگترهای فامیل و حتی فامیل‌های نزدیک چنین مهمانی را برای عروس و داماد تدارک می‌دیدند که امروزه این رسم کم رنگ‌تر شده است.

۲-۷. گلین گوردی (دیدن عروس)

بعد از مراسم عقد کنان، بسته به انتخاب خانواده داماد چند هفته یا یکی دو ماه یا حتی چند روز بعد خانواده داماد به همراه تعدادی از فامیل‌هایشان همراه با هدایایی که برای عروس و خانواده عروس تدارک دیدند می‌روند و هدایا را تقدیم آنها می‌کنند.

۳-۷. بی گوردی

این مراسم در قبال گلین گوردی است که خانواده عروس نیز همراه با هدایایی برای داماد و خانواده‌اش انجام می‌دهند.

۷-۴. اعیاد

عروس و داماد در طول دوران نامزدی، به مناسبت، هر عید بزرگی که با آن رو به رو می‌شوند از جمله؛ عید فطر، عید قربان، شب یلدا و... خانواده داماد به مناسبت و یمن همان عید، تحفه‌ای را به خانه عروس می‌برند و تقدیم عروس می‌کنند. مثلاً در عید قربان گوسفندی را همراه با تحفه‌هایی از قبیل برنج، روغن و... می‌برند یا در شب یلدا به همان مناسبت هندوانه‌ای به همراه تحفه‌های دیگر می‌برند و...

۷-۵. شب حنابندان (حنا آغشامی)

این مراسم همزمان هم در خانه پدر داماد و هم در خانه پدر عروس برگزار می‌شود. در این شب معمولاً عروس لباس قرمزی را به تن می‌کند که ریش سفیدان معتقدند سرخی این لباس نشانه محبت و عشق است. در خانه داماد هم، در طول این مراسم دو نفر از دوستان داماد که مجرد هستند همه جا همراه او هستند، یکی ساقدوش و یکی سولدوش نام دارد؛ یعنی یار دست راستی و یار دست چپی. وظیفه اصلی این دو نفر مواظبت از داماد و وسایل او است که معمولاً دزدیدن وسایل داماد توسط جوانان صورت می‌گیرد که در این صورت این دو نفر جریمه نقدی می‌شوند. در پایان به این دو نفر هدایایی را که خانواده عروس ترتیب داده است به آنها تقدیم می‌گردد.

در این شب مدتی بعد از شروع برگزاری مراسم خانواده عروس به همراه چند نفر به خانه عروس می‌روند و خانواده عروس سینی‌هایی را که تزئین کرده‌اند همراه با خانواده داماد به خانه پدر داماد می‌روند. بعد از آن عروس هم حنایی که خانواده داماد تزئین کرده و همراه خود آورده بودند در مجلس می‌چرخاند. این هدایا اصطلاحاً توره نام دارد. چنانکه اشاره شد توره لوازم جزئی مورد نیاز عروس و داماد بود که خانواده داماد برای عروس و خانواده‌ی عروس برای داماد تهیه می‌کردند.

۶-۷. روز عروسی (گلین گتمه)

روز بعد از مراسم شب حنابندان، جشن عروسی برگزار می‌شود که خانواده داماد به همراهی آنهایی که در جشن شرکت کردند برای بردن عروس به خانه داماد رهسپار خانه عروس می‌شوند.

در این هنگام بعد از جشن و پایکوبی پدر عروس او را از قرآن رد کرده و بعد از دعایی که برای آنها می‌کند به خانه داماد می‌برند (شبکه اطلاع‌رسانی راه دانا، مشکین رسا).

نتیجه

فرهنگ ایران دارای خرده فرهنگ‌هایی است که کمتر سرزمینی دارای چنین فرهنگی است. از شمال ایران تا جنوب و از شرق تا غرب خرده فرهنگ‌هایی وجود دارد که فرهنگ غنی ایران را به وجود آورده‌اند. خیلی از این خرده فرهنگ‌ها به هم نزدیک هستند. یکی از این فرهنگ‌ها، فرهنگ و سنت ازدواج است که در این جستار به سنت ازدواج در خطه خیاو یا مشکین شهر در اردبیل پرداخته شده است. بررسی‌ها حاکی از این است که سنت و آداب و رسوم ازدواج، متأثر از فرهنگ، دین، سنت، وضعیت جامعه و منطقه جغرافیایی افراد در مناطق مربوطه است. اما متأسفانه یا خوشبختانه، آداب دیرین در جامعه و در میان دختران و پسران کنونی رو به فراموشی سپرده شده و تغییرات فراوانی از جنبه‌های بسیاری در این مراسمات و عقاید روی داده است. این امر می‌تواند به دلیل گذر از یک مرحله به مرحله بعدی و روحیات و خلق و خویهای متفاوت نسل جدید باشد.

منابع:

- بایوردی (بی‌تا)، تاریخ ارسباران، چاپ قدیم.
زمانی، کریم (۱۳۸۶)، میناگر عشق، تهران: نی.
ساعدی، غلامحسین (۱۳۵۴)، خیاو یا مشکین شهر، تهران: امیرکبیر.
شبکه اطلاع رسانی راه دانا، مشکین رسا
عطا ملک جوینی (۱۳۸۶)، تاریخ جهانگشای جوینی، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
مهیار، قربان، مجموعه‌ی مقالات در پیرامون آداب و رسوم عشایر، نشر در فضای مجازی.
گال، جویس و همکاران (۱۳۸۶)، روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی، مترجمان احمدرضا نصر و همکاران، تهران: سمت.
منابع میدانی محلی
امین یاری، ۵۹، مشکین شهر، اردبیل، ۱۴۰۰/۱/۲۰، (کد ۱)
حکیمه یاری، ۶۴، مشکین شهر، اردبیل، ۱۴۰۲/۵/۲۷، (کد ۲)
الله شکر یعقوبی، ۶۵، مشکین شهر، قره درویش، ۱۴۰۲/۵/۳۰، (کد ۳)

